

## اهمیت بخش کشاورزی در حفظ تعادل اقتصادی - اجتماعی ساختار شهری و روستایی ایران\*

فرشاد مؤمنی؛ استاد گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
سارا دشتبنایی\*\*؛ کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
علی اصغر بانوئی؛ استاد گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۱۹  
پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۷/۳۰

### چکیده

جایگاه بخش کشاورزی به عنوان موتور محرك رشد و توسعه اقتصادی در ساختار شهری و روستایی از جمله موضوعاتی است که همواره مورد بحث و اظهارنظر کارشناسان بوده است. شواهد موجود نشان می‌دهد در حال حاضر، سه دیدگاه مختلف درباره کارکردهای بخش کشاورزی در اقتصاد ایران وجود دارد. تفکر نخست با رویکرد صرف اقتصادی بر مبنای نظریه "تغییرات ساختاری" و بر اساس یافته‌های نظام حسابداری بخشی معتقد است بخش کشاورزی تنها می‌تواند به عنوان بخش تأمین‌کننده امنیت غذایی مورد توجه باشد. در حالی که طرفداران دیدگاه دوم بر این عقیده‌اند که بخش کشاورزی در به حرکت در آوردن چرخهای اقتصادی کشور نقش اساسی را ایفا می‌نماید. نظر به ساحت چندبعدی فعالیت‌های بشری، ارتباط تنگاتنگ و تأثیرپذیری هریک از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این فعالیت‌ها از یکدیگر و با در نظر گرفتن تجارب موجود در این زمینه که نشان می‌دهد طی نزدیک به ربع قرن گذشته جهت‌گیری‌های تک ساحتی بالاترین سهم را در تحمیل انواع نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی و ایجاد فاجعه‌های زیست‌محیطی به کشور داشته است، دیدگاه سوم با تأکید بر ضرورت بررسی ابعاد گوناگون آثار و تبعات گسترش فعالیت‌های کشاورزی در مناطق شهری و روستایی، بر جایگاه بخش کشاورزی از منظر نقش برقرارکننده تعادل اقتصادی-اجتماعی تأکید دارد. با توجه به پژوهانه علمی نسبی هریک از دیدگاه‌های موجود و نظر به اینکه استدلال‌های مختلف ارائه شده در این باره دارای نوعی ابهام و گیج‌کنندگی است، رفع ابهام در این زمینه، مستلزم بررسی میزان انطباق دیدگاه‌های موجود با ساختار اقتصادی اجتماعی کشور است. پژوهش حاضر به بررسی وضعیت بخش کشاورزی با استفاده از الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی به عنوان جامع‌ترین نظام حسابداری میانه می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان از مطابقت بیشتر دیدگاه سوم با ساختار اقتصادی اجتماعی ایران دارد.

واژگان کلیدی: بخش کشاورزی، تعادل اقتصادی-اجتماعی، ساختارهای شهری و روستایی.

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی جایگاه بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی و توزیع درآمد نهادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی" است.

\*\* Sarah.dashbani@gmail.com

## ۱) مقدمه

نقش و جایگاه روستاهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه-ای ملی و بین المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گستردگی، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت و حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۹؛ نظمفر، ۱۳۹۶: ۱۶۱). بخش کشاورزی نیز به عنوان کهن‌ترین فعالیت تولیدی با خاستگاهی روستایی، در روند رشد و توسعه کشورهای مختلف در ادوار زمانی متفاوت از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بررسی روند توسعه کشورهای مختلف حاکی از آن است که توسعه بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی و یا حتی فراتر از آن، به عنوان پیش‌نیاز ضروری برای تحقق توسعه پایدار<sup>۱</sup> کشور امری حیاتی است؛ به‌طوری‌که بدون رفع موانع توسعه در این بخش، نمی‌توان انتظار داشت سایر بخش‌ها از جمله بخش صنعت به شکوفایی و توسعه دست یابند. در عرصه جهانی، نگرشی بر زمینه‌های تحولی جوامع پیشرفته کنونی گویای آن است که منشأ توسعه یافتنگی بسیاری از این ممالک، مازاد تولید در بخش کشاورزی در مراحل اولیه توسعه، مبناساز تحولات شده است (مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۶: ۸۶). در گزارش بانک جهانی تصریح شده، بخش کشاورزی به عنوان یک فعالیت اقتصادی، یک شیوه امرار معاش و بخش ارائه‌دهنده خدمات زیست‌محیطی، این بخش را به ابزار منحصر به‌فردی برای توسعه تبدیل کرده است (World Bank, 2008:2). هدف این پژوهش بررسی کمی دیدگاه‌های نظری در ارتباط با نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی است. برای این منظور تولید، توان اشتغال‌زایی و توزیع درآمد بخش کشاورزی برای اقتصاد ایران به عنوان سه متغیر اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی محاسبه شده و بر اساس نتایج حاصله به مقایسه میزان انطباق دیدگاه‌های موجود در کشور درباره بخش کشاورزی با واقعیت جامعه پرداخته شده است. برای این منظور نیز موضوعات فوق پیرامون سه سؤال اساسی ذیل مورد واکاوی قرار گرفته است:

- بر اساس الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی جایگاه بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی از منظر ضریب فزاینده تولید در اقتصاد ایران چگونه است؟
- بر اساس الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی پتانسیل بخش کشاورزی برای اشتغال‌زایی در اقتصاد ایران چند نفر-شغل مستقیم و غیرمستقیم است؟
- توسعه بخش کشاورزی چه تأثیری بر توزیع درآمد نهادی و شکاف درآمدی در اقتصاد ایران دارد؟

<sup>۱</sup> پاسخ‌گویی به نیازهای حال حاضر جامعه بدون به مخاطره انداختن منابع موردنیاز نسل‌های آینده به ویژه منابع بین نسلی برای رفع احتیاجاتشان.

## (۲) مبانی نظری

در ساختار شهری و روستایی اقتصاد ایران، اینکه بخش کشاورزی به عنوان یک بخش اقتصادی مهم نقش حیاتی در توسعه را بر عهده داشته، نکته حائز اهمیتی است که در سال‌های اخیر به ویژه به دنبال جهش درآمدهای نفتی تردیدهایی در باب آن ایجادشده است. در این زمینه در داخل کشور دیدگاه‌های به نسبت پرنفوذی وجود دارد که تصور آنها بر اهمیت اندک بخش کشاورزی در ساختار اقتصاد است و معتقدند نوع تعامل با این بخش از اقتصاد صرفاً می‌بایست در حد یک بخش مدارا کننده و نه رشد دهنده و اعتلا بخش باشد. در این دیدگاه صاحب‌نظران بر مبنای نظریه "تغییرات ساختاری" قابلیت بخش کشاورزی را تنها در تأمین امنیت غذایی و نقشی اندک در برقراری توازن درآمدی در جامعه می‌دانند. این گروه بر این باورند که از سوئی، بخش کشاورزی به سبب کوچک‌مقیاس بودن فعالیت‌های آن، پر نوسان بودن رشد، بهره‌وری پایین عوامل تولید و نیز کاهش میزان اشتغال در این بخش از بعد از اصلاحات اراضی، توان لازم برای واقع شدن به عنوان موتور رشد و توسعه در اقتصاد ایران را ندارد (نیلی، ۱۳۹۳: ۷).

از سوی دیگر، کاهش شاخص پیوندهای پیشین بخش کشاورزی طی دوره ۲۸ ساله (۱۳۵۲-۱۳۸۰) نشان از عدم توانایی این بخش در ایفای نقش بخش کلیدی در اقتصاد را دارد (Salami et al. 2012: 6). در ارتباط با این دیدگاه اول باید توجه داشت که اگرچه، بخش کشاورزی از دیرباز به عنوان محرک رشد اقتصادی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه فقیر مطرح بوده و نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد روستایی ایفا کرده و بخش فراوانی از جامعه فقیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در کشورهای در حال توسعه از بعد تاریخی، در فرآیند توسعه، سهم کشاورزی در تولید و نیروی کار کاهش می‌یابد. این فرآیند باعث شده تا برخی کارشناسان توسعه، بخش کشاورزی را به عنوان یک عامل فرعی در راستای توسعه به شمار آورند. در این زمینه باید به این نکته توجه داشت که در کشورهای ثروتمند نیز سهم صنایع تولیدی در کل محصول ملی کاهش و در مقابل تقاضا برای خدمات به‌طور طبیعی افزایش می‌یابد؛ بدین‌سان، این برداشت اشتباه و تلقی نادرست زمینه بروز و ظهور می‌یابد که بهتر است بر مبنای تجربه کشورهای صنعتی و پیشرفته، کشورهای در حال توسعه نیز فعالیت‌های تولیدی محکوم به شکست خود را کنار بگذارند و مستقیماً به سمت یک اقتصاد خدمات محور جهش کنند. حال آنکه نکته قابل توجه در بروز این "خطای دید" عدم توجه به منشأ و علت اصلی این کاهش سهم در تولید کل اقتصاد است.

نکته شایان توجه در جلوگیری از بروز چنین خطای توجه به دو مقوله است: نخست آنکه بخش اعظم این کاهش نه به خاطر کاهش مقدار مطلق کالاهای ساخته و تولیدشده، بلکه به دلیل کاهش قیمت‌های آنها نسبت به قیمت‌های خدمات است. از سوی دیگر، فضای محدود کشورهای در حال توسعه برای افزایش

بهره‌وری، خدمات را به موتور ضعیف رشد مبدل می‌سازد. تجارت‌پذیری کم خدمات به آن معناست که هرچه اقتصاد بیشتر متکی به خدمات باشد، توانایی کمتری برای صادرات خواهد داشت. عواید صادراتی کمتر به معنای توانایی کمتر برای خرید فناوری‌های پیشرفته از خارج است که بهنوبه خود به رشد آهسته‌تر منجر می‌شود (چانگ، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

نکته حائز اهمیت در مطالعه انتخاب معیار پیوندهای نسل اول به عنوان مبنای تصمیم‌گیری و سنجش بخشی است. بکارگیری پیوندهای نسل اول برای محاسبه پیوندهای پسین و پیشین بخش‌های اقتصادی، دلالت بر ارزش برابر تمامی صنایع در جدول داده - ستانده دارد. در این روش، وزن ارزش‌افزوده و تقاضای نهایی برای تمامی بخش‌ها برابر واحد در نظر گرفته می‌شود (بانویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۱۹<sup>۱</sup>). کولا<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) نیز در این زمینه معتقد است به کارگیری پیوندهای نسل اول تنها اثر ناشی از روابط متقابل بین بخشی را اندازه‌گیری می‌کند و این نقص از طریق استفاده از ضرایب موزون داده - ستانده برطرف می‌گردد. حال آنکه استفاده از پیوندهای نسل سوم که در آن وزن هر بخش در اقتصاد متناسب با تقاضای نهایی و ارزش‌افزوده آن بخش در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند نتایج محاسبه پیوندهای پسین و پیشین را به شکل دقیق‌تری ارائه نماید. به عبارتی سنجش ارتباط میان بخشی بر اساس میزان خلق تقاضای نهایی و ارزش‌افزوده بخش‌ها تصویر شفاف‌تری از این روابط ارائه می‌دهد که به واقعیت اقتصاد نزدیک‌تر است. این شفافیت از این‌رو است که در الگوی تقاضامحور، تقاضای نهایی متغیری بروزنزا بوده و قدرت نسبی پیوندهای پسین را به خوبی اندازه‌گیری می‌کند و همچنین در الگوی عرضه محور، ارزش‌افزوده بروزنزا و بنابراین قدرت نسبی پیوندهای پیشین را به خوبی برآورد می‌کند.

در مقابل دیدگاه دومی وجود دارد که بخش کشاورزی را به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با سایر بخش‌های اقتصادی دارد و به دلیل بهره‌گیری فراوان از تولیدات سایر بخش‌های اقتصادی می‌تواند نقش بسیار مؤثری در به حرکت درآوردن چرخه‌ای اقتصادی کشور ایفا نماید (پرمه و دباغ، ۱۳۸۳: ۱۴۴). این گروه، کاهش فرآورده‌ها و نیروی کار این بخش را ناشی از سیاست‌های تبعیض‌آمیز (یک‌سونگر) داخلی و سازوکارهای تجارت بین‌الملل می‌دانند و معتقدند که یک بخش سازمان‌یافته و یکپارچه کشاورزی می‌تواند به بهبود امنیت غذایی، کاهش قیمت محصولات غذایی، حل معضل بیکاری و افزایش میزان اشتغال، کاهش شکاف درآمدی، ایجاد پیوندهای اقتصادی قوی در زنجیره تولید و تشویق فعالیت‌های مولد، ایجاد تأثیرات مثبت در محیط‌زیست و جلوگیری از گسترش فعالیت‌های زیست‌محیطی زیان‌بار از طریق توجه به مسئله آمایش سرزمین، کاهش پدیده حاشیه‌نشینی شهری از طریق کنترل مهاجرت

<sup>۱</sup>. kula

روستایی کمک شایانی نماید. بر این اساس، بخش کشاورزی به واسطه تأثیرگذاری گستردگی بر اقتصاد به ویژه بر اقتصاد مناطق روستایی به تنها می‌تواند نیرو محركه رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد.

مطابق با مطالعات مرتبط با دیدگاه سوم در خصوص کارکرد بخش کشاورزی، توجه به توسعه کشاورزی به لحاظ تأثیرگذاری گسترهای که بر توسعه روستایی دارد، مقوله‌ای حائز اهمیت در اقتصاد ایران به لحاظ ایجاد تعادل اقتصادی-اجتماعی بهشمار می‌آید. تا آنجا که به بخش کشاورزی و جامعه روستایی مربوط می‌شود، نادیده انگاشتن و در حاشیه قرار دادن بخش کشاورزی و جامعه روستایی در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع کشور، منشأ خسارات بسیار عظیم برای کشور و گسترش و تعمیق مواعن بنيادین توسعه ملی شده است (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۶۳۹). ملر (۱۳۸۲) در مقاله خود با ذکر اهمیت کشاورزی در توسعه کلان و افزایش سطح رفاه عمومی، با ذکر مثال‌هایی از تجربیات کشورهای مختلف در زمینه‌ی نقش بخش کشاورزی در فقرزدایی، تنوع بخشیدن و پایدار کردن الگوی توسعه شهری و روستایی، توزیع درآمد و عدالت اجتماعی و مقایسه آن با ساختار اقتصادی ایران به توان این بخش در ایجاد تعادل و توازن در اقتصاد کشور اشاره می‌کند.

توسعه کشاورزی در بستر توسعه روستاهای، ضمن اینکه امکان بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک و منابع انسانی مستقر در مناطق روستایی را فراهم می‌آورد، در ایجاد ساختار اقتصادی مناسب و روند مطلوب توسعه ملی کشور نیز تأثیرات غیرقابل انکاری را خواهد داشت به‌گونه‌ای که فراهم‌سازی آمایش مطلوب سرزمین را نیز در پی‌خواهد داشت (ارزیابی استراتژی‌های بخش کشاورزی، ۱۳۸۹: ۱). این تأثیرگذاری از طریق کمک به کاهش پدیده مخرب مهاجرت روستایی، افزایش سطح تولید ملی و کاهش قیمت‌ها، کاهش نیاز به واردات و جلوگیری از خروج ارز، کاهش شکاف درآمدی و افزایش سطح رفاه خانوارها نه تنها بر اقتصاد که بر اجتماع و حتی امنیت ملی کشور نیز مؤثر می‌افتد. لازم به ذکر است که نکته قبل تأمل در این‌باره، لزوم افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی در جوامع روستایی برای مقابله با مشکلات موجود در این حوزه است؛ چراکه در روستاهای مردم فقیر، بیکار نیستند بلکه درآمدهای شان به سبب وجود الگوی تولید سنتی با دو ویژگی طاقت‌فرسا و کمبازده بودن، نارساست. از این‌رو، مسئله اساسی در فرآیند توسعه روستایی، متتحول ساختن این الگوی تولید است (مؤمنی، ۱۳۸۲: ۱۷). ماهیت فعالیت‌های این بخش به‌گونه‌ای است که توسعه و گسترش بخش کشاورزی شکاف درآمدی خانوارهای شهری و روستایی را کاهش داده و افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش سبب کاهش بیکاری می‌گردد (بانویی، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

در گزارش سال ۲۰۰۸ توسعه جهانی بانک جهانی نیز، نقش و اهمیت کسب و کار بخش کشاورزی را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل برای توسعه اقتصادی کشورها به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته معرفی

می‌کند که شواهدی دیگر در راستای مشاهدات دیدگاه سوم در ایران بهشمار می‌رود. در این گزارش مشاهده می‌گردد که میانگین سهم ارزش‌افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای صحرای جنوبی آفریقا حدود ۳۲ درصد و سهم ارزش‌افزوده بخش کسب‌وکار کشاورزی ۲۱ درصد بوده است. مقدار سهم ارزش‌افزوده کشاورزی و ارزش‌افزوده کسب‌وکار کشاورزی در کشورهای پردرآمدتری مانند مکزیک و به ترتیب ۹ و ۲۷ درصد و در کشور صنعتی ایالات متحده آمریکا به ترتیب ۱ و ۱۳ درصد است. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که سهم ارزش‌افزوده کسب‌وکار کشاورزی از GDP با وجود کاهش سهم ارزش‌افزوده کشاورزی از GDP در فرآیند توسعه اقتصادی، افزایش می‌یابد (Wilkinson & & Rocha, 2008:49:52).

محاسبات بانک مرکزی مبتنی بر الگوی جدول داده‌ستاندۀ سال ۱۳۸۳ نیز نشان داده است که سهم ارزش‌افزوده کسب‌وکار کشاورزی ایران در سال مذکور حدود ۲/۵ برابر سهم ارزش‌افزوده کشاورزی در اقتصاد ملی در سال ۱۳۸۳ بوده است. بنا بر آنچه گفته شد امروزه در سطح مطالعات جهانی با در نظر گرفتن نقش بخش کشاورزی در اقتصاد از جنبه اقتصادی و اجتماعی به صورت توأم تأکید می‌شود. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که با توجه به دارا بودن پشتونه علمی دیدگاه‌های موجود و نظر به اینکه اگر در تعیین راهبرد توسعه دچار خطا شویم، خواه از جنبه توجه بیش از حد و فراتر از قابلیت‌ها و شایستگی‌های یک بخش و خواه به این صورت که کمتر از حد به آن بخش بهاداره شود، کشور در معرض خسارت و لطمehای بزرگ خواهد بود که در هر صورت دچار سوء تخصیص منابع و از دست دادن فرصت‌های طلائی می‌شویم. از آنجاکه داده‌های مختلف و شواهد و استدلال‌هایی که تاکنون در این زمینه ارائه شده دارای نوعی ابهام و گیج‌کنندگی است، بنابراین جهت رفع ابهام در این زمینه، در این پژوهش سعی شده است با تکیه‌بر شواهد مورد قبول هر سه دیدگاه و با تکیه‌بر مبانی نظری ماتریس حسابداری اجتماعی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به بررسی وضعیت بخش کشاورزی و میزان انطباق دیدگاه‌های مختلف در حوزه عملکرد این بخش در اقتصاد ایران پرداخته شود. تاکنون مطالعات گسترده‌ای در زمینه‌ی بررسی قابلیت‌های بخش کشاورزی در عرصه‌های مختلف اقتصادی انجام شده است. می‌توان گفت بخش بزرگی از کار اوایله در مورد این موضوع با بحث در مورد نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی در کشورهای کم‌درآمد در دوران پس از دوره‌های طولانی استعمار آغاز شده است. در این بخش مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

بانویی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "تأثیرگذاری بخش‌های اصلی اقتصاد بر توزیع درآمد خانوارهای با رویکرد تحلیل مسیر ساختاری" دریافتند که بخش‌های ساختمان و کشاورزی بیشترین اثر را بر افزایش درآمد خانوارها دارد، در حالی که بخش نفت و گاز طبیعی و بخش آب، برق و گاز بیشترین اثر را بر

درآمد شرکت‌ها دارد. با تجزیه ضرایب فراینده هم‌جانبه در چارچوب تحلیل مسیر ساختاری، یافته‌ها بیانگر تأثیرگذاری بخش کشاورزی از طریق مسیر افزایش درآمد مختلط بر خانوارها بود.

سلامی و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله خود با استفاده از جداول داده‌ستانده سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۶۵ و ۱۳۵۲ به محاسبه پیوندهای پیشین و پسین پنج بخش کشاورزی، صنایع غذایی، صنعت، خدمات و بخش نفت برای تجزیه و تحلیل تغییرات در نقش کشاورزی در طول ۲۸ سال گذشته پرداختند. طی این مطالعه مشخص شد که شاخص پیوند پیشین برای بخش صنعت از ۱/۱۱ به ۱/۲ افزایش یافته بود، در حالی که این شاخص برای بخش کشاورزی از ۱/۲۶ به ۰/۹۶ کاهش یافته است. از نظر شاخص پیوندهای پسین نیز گرچه که بخش کشاورزی دارای شاخص پیوندهای پسین بزرگی است اما این شاخص پیوندها به بزرگی شاخص پیوندهای بخش صنعت نمی‌باشد. نتیجه جالب این مطالعه آن است که بخش نفت در ایران نمی‌تواند به عنوان یک بخش پیشرو (کلیدی) در نظر گرفته شود و جایگاه این بخش در طول دوره مطالعه تغییری نکرده است. آنها همچنین نشان دادند که بخش تولید دارای پتانسیل بالاتر برای افزایش تولید داخلی از طریق اثرات ارتباط بین بخشی نسبت به سایر بخش‌های است. به بیان دیگر نتایج در حالی که حکایت از اهمیت بخش کشاورزی در تحریک رشد اقتصادی در کشور دارد، لیکن نشان می‌دهد که بخش صنعت دارای پتانسیل بیشتری برای ترغیب تولید در سایر بخش‌های اقتصادی به دلیل اثرات ناشی از ارتباطات متقابل این بخش با سایر بخش‌ها است. این نتیجه بیانگر آن است که توصیه بانک جهانی مبنی بر قرار گرفتن بخش کشاورزی به عنوان یک بخش کلیدی در توسعه کشورهای در حالی که توسعه نمی‌تواند لائق برای کشورهای صادرکننده نفت مانند ایران صادق باشد.

پیترز<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در مقاله خود به بررسی چگونگی تأثیر رشد بخشی بر توزیع درآمد پرداخت. یافته‌های ماتریس حسابداری اجتماعی تعمیم‌یافته سال ۲۰۰۳-۲۰۰۲ هند نشان داد، رشد تقاضا در بخش کشاورزی نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی را کاهش می‌دهد، در حالی که رشد تقاضا در صنایع سنگین و سه بخش خدمات تا حد زیادی نابرابری را افزایش می‌دهد. تامبونان<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) به بررسی این سه سؤال اساسی در اقتصاد اندونزی پرداخت که: نخست، آیا بر اساس داده‌های اقتصادی اندونزی این مفهوم که رشد اقتصادی تأثیر مثبتی بر فقر دارد، حمایت می‌شود؟ دوم، رشد در بخش کشاورزی برای کاهش فقر مؤثر است؟ سوم، کدامیک بیشترین تأثیر را بر کاهش قابل ملاحظه فقر در طول دوره اجرای سیاست NO داشته است: مبارزه با فقر، و یا سیاست توسعه به نفع فقرا؟ نتایج این بررسی حاکی از آن بود که رشد اقتصادی با کاهش فقر همبستگی مثبت دارد، و رشد تولید یا درآمد در بخش کشاورزی قوی‌ترین اثر را بر کاهش فقر نسبت به بخش‌های دیگر داشته است. همچنین این یافته نشان می‌دهد که حمایت از رشد کشاورزی برای کاهش فقر ضروری است.

<sup>1</sup>. Pieters 2008

<sup>2</sup>. Tambunan 2005

روچی، رومانی و استفانی<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در پژوهشی تحت عنوان "کشاورزی و توزیع درآمد: نکاتی درباره ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایتالیا" که نتایج اولین تجزیه و تحلیل بخش کشاورزی در قالب SAM را برای اقتصاد ایتالیا با استفاده از دو رویکرد ضرایب فزاینده و ارزیابی توزیعی اثرات سیاست‌های مختلف کشاورزی نشان می‌داد، اظهار داشتند که طرح‌های کمک درآمدی به‌طور کامل عادلانه‌ترین نوع مداخلات‌اند و اثرات توزیعی در بخش سازمانی را به بهترین شکل تعیین می‌کنند. بیش از نیمی از این مداخلات کمک درآمدی که در حال حاضر تحت CAP در حال اجرا هستند، بسیار مؤثرتر از مواردی هستند که به صورت غیرمستقیم اثرات مثبتی بر درآمد خانوارهای کشاورز وارد می‌کنند. حمایت از قیمت‌های کشاورزی اثرات مطلوب کمتری بر اثرات توزیعی خواهد داشت.

بررسی مطالعات انجام‌شده در خارج از کشور نشان داد در قالب الگوهای مختلف اقتصادی تأثیر توسعه و گسترش فعالیت‌های بخش کشاورزی در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و از همین رو حفظ تعادل اقتصادی-اجتماعی در کشورهای مختلف بیشتر از سایر بخش‌های اقتصادی است.<sup>۲</sup>

مطالعات فوق روش می‌سازد که در بین صاحب‌نظران علی‌رغم وجود تفاوت دیدگاه درباره نقش و تأثیربخش کشاورزی در اقتصاد، نوعی اتفاق‌نظر نیز دیده می‌شود. این اتفاق‌نظر در خصوص عملکرد بخش کشاورزی در حفظ تعادل اقتصادی-اجتماعی در جامعه است. منظور از این تعادل شرایطی است که در آن متغیرهای اقتصادی و اجتماعی به‌طور همزمان در حالت تعادل قرار گرفته باشند. به عبارت بهتر، توسعه و گسترش فعالیت‌های یک بخش خاص بتواند علاوه بر بعد اقتصادی در ابعاد اجتماعی نیز در جامعه تعادل برقرار نماید. این مهم رخ نخواهد داد مگر آنکه بخش مذکور از هر دو نظر دارای پیوندهای عمیق و قوی در ساختار جامعه باشد و بتواند در شکل‌گیری ساختارهای جدید بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد.

### (۳) روش تحقیق

از منظر روش‌شناسی و به‌تبع آن تحلیل‌های سیاستی اقتصادی و اجتماعی، تحلیل‌گران حوزه ماتریس حسابداری اجتماعی از سه رویکرد کلی استفاده می‌کنند که عبارت‌اند از: رویکرد ضرایب فزاینده حسابداری، رویکرد ضرایب فزاینده قیمت ثابت (پروین و همکاران، ۱۳۹۲:۳۲) و رویکرد تحلیل مسیر ساختاری. در این مقاله متناسب با انتخاب شاخص‌های ضریب فزاینده تولید به عنوان معیار اقتصادی و

<sup>۱</sup>. Rocchi, Romano, Stefani 2002

<sup>۲</sup>. Parra (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای که در بروی اقتصاد تانزانیا با استفاده از الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی این کشور انجام داد دریافت فعالیت‌های بخش کشاورزی بیشترین تأثیر را بر رشد تولید و اشتغال در این کشور دارد. در مطالعه دیگری که توسط Diao, Hazell, Thurlow (2010) انجام شد اثر کانال‌های رشد بر کاهش فقر و نرخ رشد در شش کشور کم‌درآمد از آفریقا مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس این مطالعه، تأثیر رشد صنعتی در کاهش فقر از رشد کشاورزی به دلیل آنکه درصد عمدہ‌ای از جمعیت (حدود ۷۰ درصد) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند کمتر بوده است. همچنین نشان داد بخش کشاورزی فرصت‌های شغلی بیشتر برای فقرایجاد کرده است.

توان اشتغال‌زایی و توزیع درآمد نهادی به عنوان معیارهای اجتماعی از رویکرد ضرایب فزاینده حسابداری برای محاسبه ضریب فزاینده تولید و میزان اشتغال‌زایی و محاسبه ضریب توزیع درآمد نهادی بخش‌ها درنتیجه افزایش یک واحد اضافی اقلام بروزنرا استفاده شده است.

### ۱-۳) ضریب فزاینده تولید، توان اشتغال‌زایی و توزیع درآمد در ماتریس حسابداری اجتماعی

ضریب فزاینده تولید در ماتریس حسابداری اجتماعی از رابطه تراز تولیدی به شکل ذیل به دست می‌آید:

$$(1) \quad \mathbf{y}_n = T\mathbf{e} + \mathbf{x}_n$$

در رابطه (۱)،  $\mathbf{y}_n$  درآمد کل حساب‌های درون‌زاست که بخشی از آن، تولید واسطه ( $T\mathbf{e}$ ) و بخش دیگر درآمد سایر حساب‌ها است. همچنین برای محاسبه ماتریس ضرایب فزاینده مستقیم از روابط ذیل استفاده می‌شود:

$$(2) \quad B_{ij} = [T_{ij}] [\mathbf{v}_j]^{-1}$$

در این رابطه  $B$  ماتریس مبادلات واسطه‌ای بین حساب‌های درون‌زاست و به صورت

$$B = \begin{bmatrix} B_{11} & 0 & B_{13} \\ B_{21} & 0 & 0 \\ 0 & B_{32} & B_{33} \end{bmatrix}$$

نمایش داده می‌شود که در آن  $B_{11}$  ماتریس ضرایب مستقیم متوجه داده-

ستانده لئونتیف و  $B_{13}$  ماتریس ضرایب متوجه هزینه یا مصرف خانوارها و  $B_{21}$  ماتریس ضرایب متوجه درآمد عوامل تولید  $B_{32}$  ماتریس ضرایب متوجه تخصیص (عوامل تولید برنهادها) و  $B_{33}$  ماتریس ضرایب متوجه انتقالات جاری بین نهادها است.

اگر رابطه (۱) را با توجه به رابطه (۲) بازنویسی کنیم، خواهیم داشت:

$$(3) \quad \mathbf{y}_n = B_n \mathbf{y}_n + \mathbf{x}_n$$

پس از آن خواهیم داشت:

$$(4) \quad (\mathbf{I} - B_n) \mathbf{y}_n = \mathbf{x}_n$$

$$(5) \quad \mathbf{y}_n = (\mathbf{I} - B_n)^{-1} \mathbf{x}_n$$

در این رابطه  $m_{ij} = (\mathbf{I} - B)^{-1}$  معرف ماتریس ضرایب فزاینده حسابداری و  $\mathbf{x}$  متغیرهای کلان سیاستی حساب‌های بروزنرا است که بر مبنای آن می‌توان تحلیل‌های سیاستی همزمان اقتصادی و اجتماعی، رشد و توزیع درآمد در قالب سیاست‌گذاری‌ها را موردسنجدش قرار داد. برای سنجش میزان اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم هر یک از بخش‌ها و نقش حساب‌های عوامل تولید و نهادها در ایجاد

اشغال غیرمستقیم، از پیوند رابطه تراز ترکیبی تولید و درآمد در الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی به جمعیت استفاده می‌شود که به صورت ذیل بیان می‌گردد:

$$(6) \quad Y^n = (I + B + C + D)X$$

که در این رابطه:

$$B = [M_1 - I]$$

$$C = [M_2 - I] M_1$$

$$D = [M_3 - I] M_2 M_1$$

بر این اساس رابطه تراز تولیدی برای حساب‌های تولید و سایر حساب‌ها به صورت ذیل تعریف می‌شود:

$$Y_1^n \text{ تراز رابطه تولیدی } (7) \quad Y_1^n = M_{11}x_1 + \dots + M_{18}x_8$$

$$Y_2^n = M_{21}x_1 + \dots + M_{28}x_8 \text{ تراز رابطه درآمدی } (8)$$

که در این رابطه نیز  $Y_1^n$  درآمد فعالیت‌های تولید و  $Y_2^n$  درآمد سایر حساب‌ها است.  $x_1$  و  $x_{18}$  نیز به ترتیب اجزای تشکیل‌دهنده متغیرهای بروزنزای حساب‌های تولیدی و عوامل تولید و نهادها و سایر حساب‌های بروزنزا را نشان می‌دهند که بر مبنای روابط فوق محاسبه توان اشتغال‌زایی در ماتریس حسابداری اجتماعی فقط از طریق رابطه تراز تولیدی که در آن پیوند بین ماتریس حسابداری اجتماعی و اشتغال برقرارشده، امکان‌پذیر خواهد بود. دلیل این امر آن است که ضریب مستقیم اشتغال تنها در سطح بخش اقتصادی معنی‌دار است. بهمنظور برقراری پیوند بین  $Y_1^n$ ،  $x$  و  $L$  چهار فرض اساسی ذیل را در نظر

می‌گیریم:

▪ همانند فعالیت‌های اقتصادی مختلف که کالاهای اساسی و کالاهای همگن را تولید می‌کنند،

اشغال در بخش‌های مختلف نیز همگن فرض شده است.

▪ نسبت اشتغال مستقیم به تولید در کلیه بخش‌ها ثابت است.

▪ اشتغال خارج از سیستم تولیدی و بدون ملاحظه به ساختار درآمد، درآمد طیف وسیعی از

گروه‌های اقتصادی و اجتماعی نیروی کار و خانوارها که ارتباط مستقیم با جمعیت فعال و کل

جمعیت جامعه دارند به سیستم تحمیل می‌گردد.

▪ فقط فعالیت‌های تولیدی نقش اساسی در ایجاد اشتغال دارند.

با در نظر گرفتن فروض فوق برای محاسبه توان اشتغال‌زایی در بخش‌های مختلف اقتصادی ابتدا

نیازمند محاسبه ضرایب مستقیم اشتغال هستیم:

$$(9) \quad t = L/Q$$

در این رابطه  $L$  کل اشتغال و  $Q$  ارزش تولید ناخالص است و  $t$  نیز ضرایب اشتغال است.

می‌دانیم که:

$$(10) \quad Y_1^n = Q = M_{11}x_1 + \dots + M_{118}x_{18}$$

$$(11) \quad L = \ell Q = \ell yd$$

$$(12) \quad L = \ell M_{11}x_1 + \dots + \ell M_{18}x_{18}$$

رابطه فوق پیوند بین ماتریس حسابداری اجتماعی و اشتغال را بیان می‌دارد. در این رابطه  $M_{11}$  ماتریس ضرایب فزاینده اشتغال در قالب اثرات هم‌جانبه ناشی از تزریق یک واحد اضافی اقلام بروزنزای حساب‌های تولیدی، عوامل تولید و نهادها و با فرض صفر بودن اقلام تزریقی حساب‌های بروزنزا است. در صورت تجزیه  $M_{11}$ ، نه فقط اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های تولیدی مشخص می‌گردد، بلکه نقش عوامل تولید و نهادها نیز در ایجاد اشتغال غیرمستقیم در سطح بخش نیز مشخص می‌شود. در این صورت رابطه تعیین توان اشتغال‌زایی تجزیه شده در بخش‌های مختلف اقتصادی با فرض صفر بودن اقلام تزریقی حساب‌های بروزنزا به شکل ذیل خواهد بود:

$$(13) \quad L = \ell x_1 + \ell B_{11} x_1 + \ell C_{11} x_1 + \ell D_{11} x_1 + \dots + \ell x_8 + \ell B_{18} x_8 + \ell C_{18} x_8 + \ell D_{18} x_8$$

در رابطه فوق مجموع اشتغال ایجادشده مستقیم و غیرمستقیم درنتیجه تزریق یک واحد اضافی مشخص از اقلام تشکیل‌دهنده متغیرهای بروزنزا حساب تولید ( $x_1$ ) است. جز اول سمت راست  $\ell x_1$  در این رابطه ضرایب مستقیم اشتغال ناشی از اثرات اولیه است. اجزای  $\ell B_{11} x_1$  و  $\ell C_{11} x_1$  و  $\ell D_{11} x_1$  به ترتیب اثرات حلقه بسته ناقص، اثرات حلقه باز که برابر صفر است و اثرات حلقه بسته کامل اشتغال را که نقش و اهمیت عوامل تولید و نهادهای داخلی در ایجاد اشتغال غیرمستقیم بخش‌های اقتصادی هستند، را نشان می‌دهند.

جهت بررسی وضعیت توزیع درآمد نیز، از رویکرد تجزیه ضریب فزاینده حسابداری استفاده شده است. یکی از محسن اصلی و میزان انعطاف‌پذیری ماتریس ضرایب فزاینده در مقایسه با ماتریس ضرایب فزاینده در الگوی داده-ستاندarde این است که ماتریس مذکور را به سه جزء مشخص اثرات انتقالی، اثرات حلقه باز و اثرات حلقه بسته تجزیه نمود. این نوع تجزیه‌پذیری می‌تواند نقش و اهمیت عوامل تولید و نهادهای داخلی جامعه را در فرآیند پیچیده تولید بهصورت کمی نشان دهد و همچنین اثرات مستقیم و غیرمستقیم افزایش تقاضای نهایی هر بخش بر تولید و توزیع درآمد نهادی بهصورت جداگانه آشکار کند. برای این منظور داریم:

$$y_n = (I - B_n)^{-1} x_n = Max_n \quad (14)$$

$$M\alpha = M_3 M_2 M_1 \quad (15)$$

در رابطه فوق اثرات زنجیرهای کل ناشی از افزایش یک واحد اضافی اقلام برونز افزایش  $Ma$  است که کل اثرات به سه جزء اثرات انتقالی  $M_1$  و اثرات حلقه باز  $M_2$  و اثرات حلقه بسته  $y_n$  قابل تجزیه است. برای تجزیه  $Ma$  داریم:

$$B_n = B_n^+ + B_n^-$$

$$y_n = (B_n^+ + B_n^-)y_n + x_n \quad (15)$$

$$y_n = (I - B_n^{***})^{-1}(I + B_n^+ + B_n^-)(I - B_n^*)^{-1}x_n \quad (16)$$

که در آن :

$$M_3 = (I - B_n^{***})^{-1}, M_2 = (I + B_n^+ + B_n^-), M_1 = (I - B_n^*)^{-1} \quad (17)$$

### (۳-۲) پایه‌های آماری

ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از نوع ماتریس‌های مبتنی بر جداول داده – ستانده متقارن بخشی است که در این نوع SAM هم کالاهای اصلی در نظر گرفته می‌شود و هم کالاهای فرعی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱: ۱). در این ماتریس حساب تولید شامل ۴۸ بخش بر اساس رشته فعالیت‌های طبقه‌بندی ISIC است. حساب عوامل تولید شامل سه جز جبران خدمات کارکنان، درآمد مختلط و مازاد عملیاتی ناخالص است. حساب نهادهای داخلی شامل دهک‌بندی خانوارهای شهری و روستایی و نیز یک سطر و ستون مربوط به شرکت‌هاست. حساب دولت (خالص مالیات)، حساب تشکیل سرمایه (مجموع تشکیل سرمایه و تغییر در موجودی انبار) حساب دنیای خارج نیز هر یک دارای یک سطر و ستون در این ماتریس است.

ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰ نیز همانند ماتریس سال ۱۳۸۵، از نوع ماتریس‌های مبتنی بر جداول داده – ستانده متقارن بخشی است. در این جداول هر بخش بیش از یک کالا تولید می‌کند. در این جدول حساب تولید ۷۱ رشته فعالیت را بر اساس طبقه‌بندی ISIC شامل می‌شود. حساب عوامل تولید شامل سه جز جبران خدمات کارکنان، درآمد مختلط و مازاد عملیاتی ناخالص است. حساب نهادهای داخلی شامل دهک‌بندی خانوارهای شهری و روستایی و نیز یک سطر و ستون مربوط به شرکت‌ها است. حساب دولت (خالص مالیات)، حساب تشکیل سرمایه (مجموع تشکیل سرمایه و تغییر در موجودی انبار) حساب دنیای خارج نیز هر یک دارای یک سطر و ستون در این ماتریس است. برای سنجش میزان اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی نیز از آمار اشتغال مرکز آمار ایران سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ استفاده شده است. این آمارها بر اساس سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن موجود است.

## (۴) یافته‌های تحقیق

## ۱-۴) تحلیل ضریب فزاینده تولید

نتایج محاسبه ضریب فزاینده تولید برای ۲۹ بخش از اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در قالب جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول شماره (۱): نتایج محاسبه ضریب فزاینده تولید

ضریب در سال ۱۳۹۰	بخش	ضریب در سال ۱۳۸۵	بخش
۲.۹۴	کشاورزی	۳.۲۳	صنایع وابسته به کشاورزی
۲.۸۸	ساختمن	۳.۲۱	هتل، خوابگاه و رستوران
۲.۷۰	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۳.۱۱	کشاورزی
۲.۶۴	عمده فروشی، خرد فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای	۳.۰۰	عمده فروشی، خرد فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای
۲.۶۲	صنایع وابسته به کشاورزی	۲.۹۲	ساختمن
۲.۶۰	آموزش	۲.۸۲	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها بدن، قطعات و لوازم
۲.۵۶	حمل و نقل	۲.۷۵	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات
۲.۵۳	سایر صنایع (مبلمان- مصنوعات گرانبهای و بازیافت)	۲.۷۳	امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تامین اجتماعی اجرایی
۲.۵۲	کانی های غیرفلزی	۲.۷۰	سایر صنایع (مبلمان- مصنوعات گرانبهای و بازیافت)
۲.۵۱	پست و مخابرات	۲.۶۴	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۲.۴۷	امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تامین اجتماعی اجرایی	۲.۶۱	کانی های غیرفلزی
۲.۴۲	بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۲.۵۷	آموزش
۲.۴۱	واسطه گریهای مالی	۲.۴۶	فلزات اساسی
۲.۴۰	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها بدن، قطعات و لوازم الحاقی	۲.۴۳	بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی
۲.۳۸	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۲.۴۲	پست و مخابرات
۲.۳۴	کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، محصولات شیمیایی	۲.۳۷	آب و برق و گاز طبیعی
۲.۳۱	فلزات اساسی	۲.۳۱	حمل و نقل
۲.۲۹	خدمات	۲.۳۰	ساخت ماشین آلات و دستگاههای برقی طبقه بندی نشده
۲.۲۶	هتل، خوابگاه و رستوران	۲.۲۸	واسطه گریهای مالی
۲.۲۱	ساخت ماشین آلات و دستگاههای برقی طبقه بندی نشده	۲.۲۶	خدمات
۲.۱۲	سایر معادن	۲.۱۶	سایر معادن
۱.۹۸	آب و برق و گاز طبیعی	۲.۱۱	کاغذ و چاپ
۱.۹۶	خدمات مستغلات	۲.۰۴	کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی
۱.۸۸	کاغذ و چاپ	۱.۹۷	خدمات مستغلات
۱.۶۰	ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۱.۸۲	ساخت ماشین آلات و تجهیزات
۱.۵۴	استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۱.۵۴	استخراج نفت خام و گاز طبیعی
۱.۵۱	ساخت ابزار پژوهشی، اپتیکی و ابزار دقیق، ساعتهای مجی و انواع دیگر ساعت	۱.۵۴	ساخت رادیو، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی
۱.۲۴	ساخت ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۱.۵۰	ساخت ابزار پژوهشی، اپتیکی و ابزار دقیق، ساعتهای مجی و انواع دیگر ساعت
۱.۱۲	ساخت رادیو، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۱.۱۸	ساخت ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی

منبع: محاسبات تحقیق براساس ماتریس حسابداری اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

ارقام جدول فوق، آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم افزایش یک واحد (یکمیلیون ریال) کالاهای و خدمات نهایی یا اجزای تشکیلدهنده تقاضای نهایی هر بخش را برافراش تولید نشان می‌دهد. بهطور مثال، افزایش یکمیلیون ریالی تقاضای نهایی و یا هریک از اجزای تشکیلدهنده تقاضای نهایی در بخش صنایع وابسته به کشاورزی در سال ۱۳۸۵، بهطور مستقیم و غیرمستقیم سبب افزایش تولید کل اقتصاد معادل  $\frac{۳}{۲۳}$  میلیون ریال شده است. این رقم افزایش تقاضای نهایی بخش مذکور در سال ۱۳۹۰ معادل  $\frac{۲}{۶۲}$  میلیون ریال بوده است. بر اساس نتایج بهدستآمده در سال ۱۳۸۵ افزایش یکمیلیون ریالی سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنایع وابسته به کشاورزی (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل  $\frac{۳}{۲۳}$  میلیون ریال)، هتل، خوابگاه و رستوران (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل  $\frac{۳}{۲۱}$  میلیون ریال)، کشاورزی (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل  $\frac{۳}{۱۱}$  میلیون ریال)، عمدۀ فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل  $\frac{۳}{۱۰}$  میلیون ریال) و ساختمان (با افزایش تولید کل اقتصاد معادل  $\frac{۲}{۹۲}$  میلیون ریال) به ترتیب بیشترین تأثیر را به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای افزایش تولید کل اقتصاد در این سال را داشته‌اند. در سال ۱۳۹۰ نیز بخش‌های کشاورزی، ساختمان، ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات، عمدۀ فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای و صنایع وابسته به کشاورزی هریک به ترتیب با ضریب فزاینده‌ای معادل  $۲/۹۴$ ،  $۲/۸۸$ ،  $۲/۲۶۴/۷$  و  $۲/۶۲$  بیشترین سهم را در افزایش تولید کل اقتصاد در ازای افزایش یکمیلیون ریالی تقاضای نهایی و یا هریک از اجزای تشکیلدهنده تقاضای نهایی در اقتصاد داشته‌اند.

این نتایج حاکی از آن است که گرچه توان تولیدی (ضریب فزاینده تولید) در بخش‌های مختلف طی بازه زمانی موردنرسی کاهش محسوسی داشته و تغییرات قابل توجهی در رتبه‌بندی بخش‌ها به لحاظ تغییر ضریب فزاینده تولید آنها رخداده بهطوری که متوسط ضریب فزاینده تولید از  $۲/۳۸$  در سال ۱۳۸۵ به  $۲/۲۴$  در سال ۱۳۹۰ به دلایل مختلف کاهش یافته است، اما همان‌طور که مشاهده می‌شود، در بین بخش‌های مولد اقتصادی تنها دو بخش کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی در این بازه زمانی در بین بخش‌های دارای ضریب فزاینده تولید بالاتر از میانگین در رتبه‌های اول تا پنجم قرار داشته است.

از جمله دلایل این کاهش می‌توان به تغییر کاربری اراضی کشاورزی در روستاهای اشاره کرد. ایران طی چند دهه گذشته شاهد تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستاهای به کاربری مسکونی و تجاری، خدماتی و صنعتی به ویژه در روستاهای پیرامون کلان‌شهرها بوده که مجموعه‌ای از عوامل مختلف نظریه مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها و نیاز به گسترش و توسعه شهرها در آن تاثرگذار بوده است (امینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸).

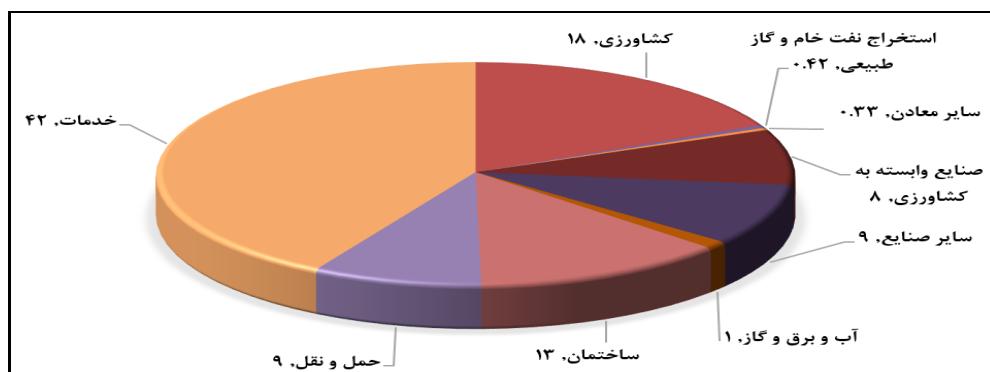
اهمیت توجه به این موضوع از آن جهت است که حمایت از بخش‌های مولد اقتصادی همچون کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی از سوئی منجر به افزایش تولید و ثروت در جامعه به ویژه در مناطق روستایی می‌گردد. از سوی دیگر، تاثیر این رونق اقتصادی در مناطق روستایی کشور علاوه بر آثار اقتصادی مثبت، سبب پیش‌گیری از وقوع و کاهش رخداد ناهنجاری‌های اجتماعی همچون کاهش پدیده حاشیه‌نشینی شهری به سبب مهاجرت روستائی خواهد شد. اهمیت این موضوع هم از باب اجتماعی و هم از باب امنیت ملی قابل بحث و بررسی است. در مقابل تضعیف بخش غیرمولده مانند خدمات مستغلات که نه تنها منجر به افزایش تولید و ثروت در اقتصاد نمی‌شود بلکه توزیع درآمد را نیز ناعادلانه می‌کند، نقش بسزایی در بهبود وضعیت اقتصادی کشورها، بهویژه اقتصادهایی درگیر چالش بخش غیرمولده قوی و سود ده در کنار تورم بالا و ناامینانی، دارد. کایزنر<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در تعریف کار مولد، فعالیتی بر تولید و استغال‌زاست. همیشه فعالیت‌های مولد، با ریسک بالاتری همراه هستند و همچنین نرخ بازگشت سرمایه آنها نسبت به فعالیت‌های غیرمولده بسیار پایین‌تر است. بنابراین بهصورت خود به خودی سرمایه‌ها به سمت بخش‌های غیرمولده سوق پیدا می‌کند.

نکته حائز اهمیت در اینجا استفاده از پتانسیل‌ها و توجه به نقش فعالیت‌هایی همچون کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی در حوزه فعالیت‌های مولد و تمرکز بر تقویت بنیه اقتصادی مناطق روستایی جهت برقراری تعادل اقتصادی است. در بازه موردبررسی و با توجه به ساختار اقتصادی ایران کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی از ضریب فزاینده تولید بالاتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی بهویژه در مقایسه با فعالیت‌های نامولد اقتصادی برخوردار هستند و به همین سبب می‌تواند بیشترین سهم را در افزایش تولید و ثروت در کشور و از همین رو برقراری تعادل اقتصادی بین مناطق شهری و روستایی در جامعه داشته باشد. از سوی دیگر، همان‌طور که از نتایج برمی‌آید ۲۱ بخش از جمله بخش‌های کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی (به ترتیب با ۵/۴۱-۱۹/۰۳-درصد و ۱۳۸۵-درصد) از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۰ با کاهش ضریب فزاینده تولید مواجه بوده‌اند اما علی‌رغم این کاهش همچنان در صدر فعالیت‌های تولیدی از منظر ضریب فزاینده تولید قرار دارند که این امر خود گویای جایگاه و سهم بسزای بخش‌های مذکور در افزایش تولید و حفظ توازن اقتصادی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی کشور است.

<sup>۱</sup>. Kirzner

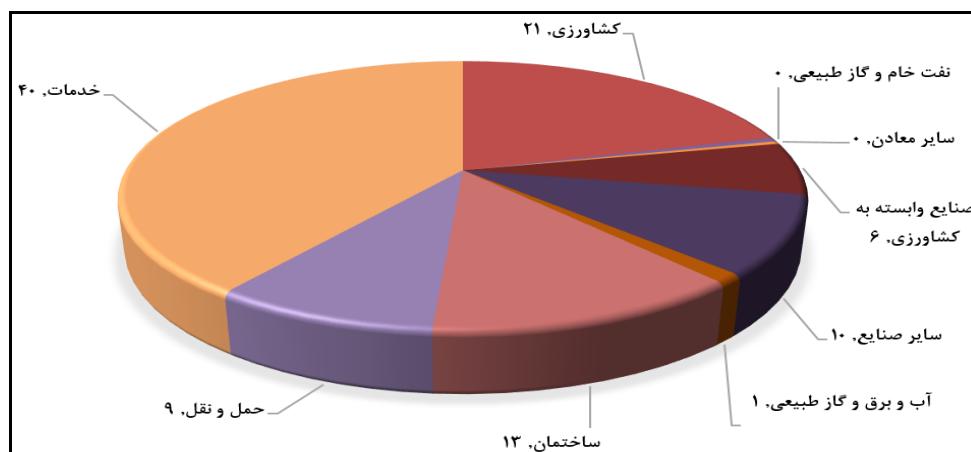
#### ۴-۲) تحلیل نتایج اشتغال‌زاوی

نمودار ۱ و ۲ به ترتیب سهم فعالیت‌های عمده اقتصادی از کل اشتغال کشور را در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بر اساس آمار شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع شغلی و فعالیت (سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) مرکز آمار ایران را نشان می‌دهد. سهم اشتغال بخش کشاورزی از کل اشتغال کشور برای سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر ۱۸ و ۲۱ درصد بوده که از این نظر پس از بخش خدمات در رتبه دوم قرار دارد. این موضوع خود گویای توان بالقوه بخش کشاورزی به عنوان اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی روستایی در کاهش آمار بیکاری و لزوم تمرکز سیاست‌گذاران بر مناطق روستایی جهت رفع این معطل است. با در نظر گرفتن این مهم که در مسیر توسعه اقتصادی، کاهش فقر و تغییرات ساختاری در اقتصاد کشورها را فراهم می‌سازد، مشاهده می‌شود موجبات رشد اقتصادی، کاهش فقر و تغییرات ساختاری در اقتصاد کشورها را فراهم می‌سازد، مشاهده می‌شود صنایع وابسته به کشاورزی نیز در این رتبه‌بندی در جایگاه پنجم قرار دارد.



شکل شماره (۱): نمودار سهم اشتغال بخشی سال ۱۳۸۵ کشور

مأخذ: آمار شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع شغلی و فعالیت (سال ۱۳۸۵) مرکز آمار ایران



شکل شماره (۲): نمودار سهم اشتغال بخشی سال ۱۳۹۰ کشور

مأخذ: آمار شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع شغلی و فعالیت (سال ۱۳۹۰) مرکز آمار ایران

نتایج حاصل از محاسبه توان اشتغال‌زاوی در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ برای ۲۹ بخش در ساختار اقتصادی ایران نیز در قالب جدول دو نمایش داده شده است.

**جدول شماره (۲): نتایج محاسبه توان اشتغال‌زاوی کشور (نفو-شغل)**

تowan اشتغال‌زاوی سال ۱۳۹۰	بخش	تowan اشتغال‌زاوی سال ۱۳۸۵	بخش
۸	کشاورزی	۲۲	کشاورزی
۷	آموزش	۲۱	امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تامین اجتماعی اجباری
۷	امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تامین اجتماعی اجباری	۲۰	صنایع وابسته به کشاورزی
۶	ساختمن	۱۹	آموزش
۶	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۱۹	ساختمن
۶	حمل و نقل	۱۸	هتل، خوابگاه و رستوران
۶	صنایع وابسته به کشاورزی	۱۸	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها
۵	خدمات	۱۷	خدمات
۵	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۱۶	سایر صنایع (مبلمان- مصنوعات گرانبهای و بازیافت)
۵	سایر صنایع (مبلمان- مصنوعات گرانبهای و بازیافت)	۱۵	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات
۵	بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۱۳	حمل و نقل
۴	کانی های غیرفلزی	۱۳	بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی
۴	هتل، خوابگاه و رستوران	۱۲	کانی های غیرفلزی
۴	واسطه گریهای مالی	۱۲	پست و مخابرات
۳	کاغذ و چاپ	۱۰	واسطه گریهای مالی
۳	پست و مخابرات	۱۰	آب و برق و گاز طبیعی
۳	سایر معادن	۱۰	کاغذ و چاپ
۳	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۰	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۲	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آن	۹	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آن
۲	ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۹	سایر معادن
۲	فلزات اساسی	۷	ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر
۲	آب و برق و گاز طبیعی	۷	فلزات اساسی
۲	خدمات مستغلات	۶	خدمات مستغلات
۲	کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۵	ساخت ماشین آلات و تجهیزات
۱	ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۵	کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی
۱	ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ایزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۴	ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ایزار دقیق ، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت
۱	استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۳	استخراج نفت خام و گاز طبیعی
۱	ساخت ماشین آلات دفتري، حسابداري و محاسباتي	۳	استخراج نفت خام و گاز طبیعی
۰	ساخت راديو، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۲	ساخت ماشین آلات دفتري، حسابداري و محاسباتي

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

طبق داده‌های سال ۱۳۸۵، در این سال درنتیجه افزایش یکمیلیون ریالی اقلام برونا (حساب دولت، حساب سرمایه، حساب دنیای خارج) و به تبع آن افزایش تولید، میزان افزایش تقاضای مستقیم و غیرمستقیم برای نیروی کار در هریک از بخش‌های کشاورزی، امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری، صنایع وابسته به کشاورزی، آموزش، ساختمان، هتل، خوابگاه و رستوران و عمده‌فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه به ترتیب معادل ۲۲، ۲۰، ۲۱، ۱۹، ۱۹، ۱۸ و ۱۸ نفر - شغل مستقیم و غیرمستقیم بوده است. این نتایج حاکی از آن است بخش کشاورزی با ایجاد ۲۲ نفر - شغل مستقیم و غیرمستقیم در رتبه نخست ازنظر توان اشتغال‌زاوی در بین بخش‌های موردنبررسی قرار دارد. از این تعداد سهم اشتغال‌زاوی مستقیم بخش معادل ۱۰ نفر - شغل و ۱۲ نفر - شغل نیز سهم اشتغال‌زاوی غیرمستقیم در این بخش بوده است. به عبارت دیگر، به طور متوسط توان اشتغال‌زاوی در این بخش معادل ۱/۳۰ درصد از کل توان اشتغال‌زاوی در این سال بوده است.

بخش‌های امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری و صنایع وابسته به کشاورزی نیز هریک با ۲۱ و ۲۰ نفر شغل مستقیم و غیرمستقیم پس از بخش کشاورزی ازنظر توان اشتغال‌زاوی در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارد. بخش امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری ۱۱ نفر - شغل اشتغال‌زاوی مستقیم و ۱۰ نفر - شغل اشتغال‌زاوی غیرمستقیم و نیز صنایع وابسته به کشاورزی نیز ۶ نفر - شغل اشتغال‌زاوی مستقیم و ۱۴ نفر - شغل اشتغال‌زاوی غیرمستقیم در سال ۱۳۸۵ داشته‌اند.

نتایج حاصل از محاسبه توان اشتغال‌زاوی به تفکیک ۲۹ بخش برای سال ۱۳۹۰ گوبای ایجاد تغییرات قابل توجهی در حوزه اشتغال در کشور است. بر اساس این نتایج بخش کشاورزی با ۸ نفر - شغل مستقیم و غیرمستقیم همانند سال ۱۳۸۵ در رتبه اول ازنظر توان اشتغال‌زاوی قرار گرفته است. بخش‌های آموزش و امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری نیز با ۷ نفر - شغل مستقیم و غیرمستقیم در رتبه دوم جای دارد. بخش‌های صنایع وابسته به کشاورزی، ساختمان، ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات و حمل و نقل نیز به صورت مشترک در رتبه سوم قرار دارند. بخش کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی علی‌رغم اینکه که بیشترین میزان کاهش توان اشتغال‌زاوی را در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تجربه کرده‌اند، اما همچنان از این نظر در رتبه‌های اول و سوم قرار دارد.

بر اساس آمارهای رسمی مرکز آمار درحالی‌که در بازه زمانی مذکور آمار اشتغال بخشی حکایت از کاهش میزان اشتغال در بسیاری از بخش‌ها از جمله بخش صنایع وابسته به کشاورزی دارد، این آمار برای بخش کشاورزی افزایشی بوده است. می‌توان گفت این میزان کاهش نشان از آسیب‌پذیری بیشتر بخش صنایع وابسته به کشاورزی و بخش کشاورزی در مقابل سوگیری نادرست سیاست‌های دولت دارد.

این نتایج نشان می‌دهد برخلاف آنکه آمارهای مربوط به اشتغال بخش کشاورزی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ حکایت از کم شدن اشتغال در بخش کشاورزی دارد و بیشترین میزان کاهش اشتغال آن نیز مربوط به بازه ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ است و رویکرد غالب بر این اساس معتقد است بخش کشاورزی در آینده نقشی در ایجاد اشتغال نخواهد داشت، اما این بخش همچنان بر طبق داده‌های ماتریس حسابداری اجتماعی دارای بالاترین توان اشتغال‌زاوی در ساختار اقتصاد است و به همین سبب مستلزم افزایش توجه و استفاده از پتانسیل‌های نهفته در این بخش است و آن‌چنان‌که گفته شد این کاهش اشتغال و پیامدهای آن خود نتیجه کاهش توجه و سهل‌انگاری نسبت به توسعه و گسترش فعالیت‌های آن بوده است. بر اساس این نتایج اگرچه توان اشتغال‌زاوی بخش کشاورزی همانند سایر بخش‌ها در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ تحت مناسبات خاص که به تفصیل نقل شد، علی‌الخصوص غفلت از پتانسیل‌های مناطق روستایی و تقدم توسعه شهری بر توسعه روستایی کاهش‌یافته اما سهم این بخش در ایجاد اشتغال به طور متوسط با توجه به گستردگی فعالیت‌های زیرمجموعه آن و پتانسیل‌های موجود در کشور به ویژه در مناطق روستایی و علی‌رغم به کارگیری سیاست‌های نادرست در قبال این بخش، نسبت به سایر بخش‌های بیشترین افزایش را داشته است.

### ۳-۴) تحلیل نتایج توزیع درآمد نهادی

معمولًاً روش مناسب ارزیابی برای توزیع درآمد (یا نابرابری) در جامعه، مقایسه میان خانوارها است تا مقایسه میان افراد. هرچه سهم طبقات با درآمد بالا از درآمد ملی، کمتر باشد و سهم طبقات با درآمد پایین، بیشتر باشد، توزیع درآمد متعادل‌تر در نظر گرفته می‌شود (هایامی، ۱۳۸۶:۵۴). در مراحل اولیه توسعه، طبق مبانی نظری علم اقتصاد، اجرای سیاست‌های اقتصادی موجب نابرابری توزیع درآمد می‌گردد. ارزیابی میزان تأثیرگذاری این سیاست‌ها بر توزیع درآمد در مدل‌های تعادل جزئی تصویر کاملی را از نتایج آن ارائه نمی‌دهد. زیرا در این مدل‌ها تنها آثار مستقیم سیاست قابل بررسی است و آثار غیرمستقیم نادیده گرفته می‌شود. از این‌رو بررسی این سیاست‌ها در مدل‌های کلان‌نگر که تمامیت اقتصادی را دربر می‌گیرند، موجب افزایش دقت نتایج می‌شود. بررسی چگونگی توزیع درآمد نهادی در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ حاکی از آن است در سال ۱۳۸۵ بیشترین تأثیر در افزایش درآمد خانوارهای شهری و روستایی ناشی از افزایش تقاضای نهایی بخش عمده فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای بوده است و بخش کشاورزی با ضریب توزیع درآمد شهری ۱۰/۳۶ و ضریب توزیع درآمد روستایی ۰/۲۶ در رتبه دوم قرار داشته است. بخش‌های هتل، خوابگاه و رستوران، آموزش، امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری و صنایع وابسته به کشاورزی در رتبه‌های

سوم تا ششم از منظر تأثیرگذاری بر درآمد خانوارهای شهری و روستایی قرار دارند. نتایج محاسبه ضریب توزیع درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۸۵ در جدول سه نشان داده شده است.

**جدول شماره (۳): نسبت توزیع درآمد از بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۵**

بخش	شهری	روستایی	کل
کشاورزی	۱.۰۳۶۹۶	۰.۲۵۰۵۶	۱.۲۸۷۲۶۲
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۰.۳۴۱۷۰۹	۰.۰۸۲۶۴	۰.۴۲۴۳۴۹
سایر معادن	۰.۵۲۱۷۳۱	۰.۱۲۶۱۳۴	۰.۶۴۷۸۶۵
صنایع وابسته به کشاورزی	۰.۸۳۳۵۳	۰.۲۰۱۴۶۴	۱.۰۳۴۹۹۴
کاغذ و چاپ	۰.۳۹۱۶۴۸	۰.۰۹۴۶۷	۰.۴۸۶۳۱۶
کک، فراورده‌های نفتی، سوخت هسته‌ای، مواد و محصولات شیمیایی	۰.۳۱۳۱۹۴	۰.۰۷۵۷۱۷	۰.۳۸۸۹۱۲
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰.۵۰۵۵۳	۰.۱۲۲۰۱	۰.۶۲۷۷۳۱
کانی‌های غیرفلزی	۰.۶۲۸۶۷۱	۰.۱۵۱۹۶۷	۰.۷۸۰۶۳۸
فلزات اساسی	۰.۴۶۴۹۰۳	۰.۱۱۲۳۸	۰.۵۷۷۲۸۳
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۰.۵۲۶۴۰۳	۰.۱۲۷۲۵۲	۰.۶۵۳۶۵۴
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۰.۲۴۳۵۵۸	۰.۰۵۸۸۷۷	۰.۳۰۲۴۳۵
ساخت ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰.۰۷۲۶۲۴	۰.۰۱۷۵۵۵	۰.۰۹۰۱۷۹
ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰.۳۸۹۶۴۶	۰.۰۹۴۱۸۷	۰.۴۸۳۸۳۳
ساخت رادیو، تلویزیون و دستگاه‌ها و وسائل ارتباطی	۰.۱۷۵۷۵۴	۰.۰۴۲۴۸۲	۰.۲۱۸۲۳۶
ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ایزار دقیق، ساعتهای مچی و انواع دیگر ساعت	۰.۱۸۴۱۵۹	۰.۰۴۴۵۱۳	۰.۲۲۸۶۷۳
وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آن	۰.۰۵۶۱۶	۰.۱۲۲۲۲۱	۰.۶۲۷۸۳۷
سایر صنایع (میلمان-مصنوعات گرانبهای و بازیافت)	۰.۵۵۵۷۷۹	۰.۱۳۴۳۴۷	۰.۶۹۰۱۲۶
آب و برق و گاز طبیعی	۰.۶۱۴۵۷۵	۰.۱۴۸۵۷۵	۰.۷۶۳۱۵
ساختمن	۰.۶۶۹۸۶۴	۰.۱۶۱۹۲۵	۰.۸۳۱۷۸۹
عمده فروشی، خرد فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای هتل، خوابگاه و رستوران	۱.۱۴۶۷۲۴	۰.۲۷۷۱۵۵	۱.۴۲۳۸۸
حمل و نقل	۰.۹۹۳۶۶	۰.۲۴۰۰۲۵	۱.۲۳۳۰۹۲
پست و مخابرات	۰.۶۵۹۳۲۲	۰.۱۵۹۳۶۳	۰.۸۱۸۶۸۵
واسطه گری‌های مالی	۰.۶۹۶۵۸۲	۰.۱۶۸۳۸۸	۰.۸۶۴۹۶۹
خدمات مستغلات	۰.۵۱۲۲۱۶	۰.۱۲۳۸۴۶	۰.۶۳۶۰۶۲
امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تامین اجتماعی اجباری	۰.۹۳۰۹۰۴	۰.۲۲۵	۱.۱۵۵۹۰۵
آموزش	۰.۹۴۰۹۶۶	۰.۲۲۷۴۳۶	۱.۱۶۸۴۰۲
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۰.۷۶۷۴۲۲	۰.۱۸۵۵۰۵	۰.۹۵۲۹۲۷
خدمات	۰.۶۷۴۵۴۶	۰.۱۶۳۰۴۲	۰.۸۳۷۵۸۸

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نتایج مربوط به تأثیر افزایش یکمیلیون ریالی در تقاضای نهایی بخش‌های مختلف بر توزیع درآمد حاکی از آن است ۶ بخش عمده فروشی، خرد فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای، کشاورزی، هتل،

خوابگاه و رستوران، آموزش، امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجباری و صنایع وابسته به کشاورزی ضریب فزاینده درآمد بالاتری نسبت به سایر بخش‌ها دارد. براساس داده‌های سال ۱۳۸۵ مشاهده می‌شود در ازای یکمیلیون ریال افزایش تقاضای نهایی در بخش عمدۀ فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای معادل ۱/۴۲ میلیون ریال درآمد خانوارهای شهری و روستایی افزایش می‌یابد. از این میزان افزایش سهم خانوارهای شهری ۸۰ درصد و سهم خانوارهای روستایی ۲۰ درصد است. بخش‌های کشاورزی نیز در صورت افزایش یکمیلیون ریالی تقاضای نهایی در این بخش سبب افزایش ۱/۲۹ میلیون ریالی درآمد خانوارهای شهری و روستایی در اقتصاد ایران شده است. از سوی دیگر، مقایسه نسبت شکاف درآمدی ناشی از بسط و گسترش بخش‌های مختلف نشان می‌دهد با توجه به یکسان بودن نسبت سهم خانوارهای شهری و روستایی از توزیع درآمد بخش‌های مختلف اقتصادی شکاف درآمدی ایجادشده نیز یکسان بوده و گسترش فعالیت‌های بخش‌های مختلف تأثیر یکسانی بر شکاف درآمدی خانوارهای شهری و روستایی داشته است.

جدول چهار نیز نتایج تجزیه ضریب فراینده درآمد نهادی را برای گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد که طبق آن، بیشترین اثر القایی را در افزایش درآمد خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب بخش‌های وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آن، صنایع وابسته به کشاورزی و ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات داشته است. همچنین، بخش‌های خدمات مستغلات، آب و برق و گاز طبیعی و عمدۀ فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای بیشترین اثر مستقیم و بخش‌های عمدۀ فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای کشاورزی و هتل، خوابگاه و رستوران بیشترین اثر غیرمستقیم در افزایش درآمد خانوارها در سال ۱۳۸۵ داشته است.

### جدول شماره (۴): تجزیه ضرایب فزاینده درآمد نهادی سال ۱۳۸۵

عنوان بخش	اثرات القابی	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم
کشاورزی	۰.۵۷۰۶۰۵	۱.۸۰۳۴۲۶	۳.۳۰۷۵۰۲
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۰.۰۳۱۳۹	۱.۸۱۹۳۵۶	۱.۰۰۸۰۰۵
سایر معادن	۰.۳۸۷۸۰۱	۱.۷۲۶۲۱۷	۱.۶۶۴۲۸۹
صنایع وابسته به کشاورزی	۰.۹۹۰۶۹۴	۱.۵۳۷۱۲۳	۲۶۵۹۲۹
کاغذ و چاپ	۰.۵۳۱۹۴۷	۰.۸۷۵۸۳۷	۱.۲۴۹۴۶۸
ک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۰.۵۷۱۶۶۵	۱.۰۲۵۶۴۱	۰.۹۹۰۷۷۱
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰.۸۸۹۱۴۹	۱.۲۹۳۷۵	۱.۶۱۲۷۲۹
کانی های غیرفلزی	۰.۶۷۹۲۳۶	۱.۵۸۷۶	۲.۰۰۵۵۷۶
فلزات اساسی	۰.۷۶۶۴۳۹	۱.۱۸۳۰۸	۱.۴۸۳۱۲۳
ساخت محصولات فلزی فلبریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۰.۹۶۴۴۶۳	۱.۴۶۸۰۸۳	۱.۶۷۹۲۷۶
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۰.۴۶۲۴۴۳۴	۰.۶۷۴۵۹۸	۰.۷۷۶۹۷۵
ساخت ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰.۰۶۹۸۹۳	۰.۱۷۶۸۹۵	۰.۲۳۱۶۸۶
ساخت ماشین آلات و دستگاه های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰.۷۲۳۹۵	۰.۹۵۶۸۲۶	۱.۲۴۳۰۰۵
ساخت رادیو، تلویزیون و دستگاه ها و وسائل ارتباطی	۰.۲۷۳۶۴۹	۰.۳۸۸۶۲۹	۰.۵۶۰۷۰۵
ساخت ابزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت های مچی و انواع دیگر ساعت	۰.۲۲۲۱۷۵	۰.۳۹۸۱۰۷	۰.۵۸۷۵۲۳
وسایل نقلیه موتوری، تریلرهای نیم تریلرهای بدن، قطعات و لوازم الحاقی آن	۱.۰۶۹۵۶۱	۱.۲۶۹۳۵۷	۱۶۱۳۰۱
سایر صنایع (مبلمان، مصنوعات گرانبهای و بازیافت)	۰.۸۷۴۶۴۴	۱.۴۰۹۷۱۵	۱.۷۷۳۰۳۲
آب و برق و گاز طبیعی	۰.۴۵۲۳۲۸	۱.۹۴۰۵۳	۱.۹۶۰۴۸۵
ساختمان	۰.۹۲۰۳۰۱	۱.۷۱۱۱۵۷	۲.۱۳۶۹۸۵
عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر و سایل نقلیه و کالاهای	۰.۲۹۳۷۷۴	۱.۹۰۹۸۸۵	۳.۶۵۸۵۶۷
هتل، خوابگاه و رستوران	۰.۷۳۳۸۱	۱.۸۶۰۱۶۵	۳.۱۶۸۲۶۶
حمل و نقل	۰.۳۲۲۷۲۲	۱.۳۳۰۳۱۲	۲.۱۰۳۴۶۲
پست و مخابرات	۰.۵۳۹۳۶	۱.۷۷۷۷۷۴	۱.۸۹۴۶۹۱
واسطه گریهای مالی	۰.۲۳۹۶۶۹	۱.۸۸۹۶۲۸	۲.۲۲۲۱۸۷
خدمات مستغلات	۰.۲۰۷۱۱۱	۱.۹۸۳۶۷۵	۱.۶۳۳۸۳۸
امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تامین اجتماعی اجباری	۰.۳۴۸۰۴۷	۱.۷۷۹۴۵۷	۲.۹۶۹۹۵
آموزش	۰.۱۶۶۷۸۸	۱.۹۰۳۱۵	۳.۰۰۲۰۱۶
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۰.۲۸۴۲۱۵	۱.۸۸۶۹۹۴	۲.۴۴۸۲۳۸
خدمات	۰.۲۶۱۶۴۴	۱.۳۵۵۲۰۱	۲.۱۵۲۰۳۹

منبع : محاسبات تحقیق، ۱۳۹۵.

جدول پنج نیز نتایج محاسبه ضریب فزاینده درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۹۰ را نشان می دهد که حاکی از تغییر قابل توجه جایگاه بخش های تأثیرگذار بر درآمد خانوارها بوده است؛ به گونه ای که سهم بخش های حوزه خدمات بر درآمد خانوارها افزایش چشم گیری داشته و تنها بخش تولیدی در این میان بخش کشاورزی است که همچنان در رتبه دوم قرار دارد. در این سال بخش های آموزش با ضریب فراینده درآمد ۱/۲۲، کشاورزی با ضریب فراینده درآمد ۱/۱۵، عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر و سایل نقلیه و کالاهای با ضریب

هزار و دو هزار درآمد اجتماعی با ضریب فراینده درآمد ۱/۰۲ به ترتیب بیشترین سهم را در افزایش درآمد خانوارها در اقتصاد ایران داشته است. سهم خانوارهای شهری و روستایی از این افزایش درآمد به طور متوسط همچنان معادل ۸۰ به ۲۰ بوده است. نکته قابل توجه نقش بخش کشاورزی در کاهش شکاف درآمدی بین خانوارهای روستایی و شهری است. به طوری که افزایش تقاضای نهایی در این بخش و درنتیجه تأثیری که بر توزیع درآمد نهادی دارد، بیشترین نقش را بر کاهش شکاف درآمدی دارد.

## جدول شماره (۵): نتایج توزیع در آمد سال ۱۳۹۰

بخش	شهری	روستایی	کل
کشاورزی	۰.۹۱۳۵۲	۰.۲۳۷۰۱۸	۱.۱۵۰۵۳۸
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۰.۳۳۹۱۷	۰.۰۷۶۹۶۷	۰.۴۱۶۱۳۷
سایر معادن	۰.۵۲۶۴۵۸	۰.۱۲۵۶۹۱	۰.۶۵۲۱۴۹
صنایع وابسته به کشاورزی	۰.۵۵۲۱۶۴	۰.۱۴۰۶۱۱	۰.۶۹۲۷۷۵
کاڻد و چاپ	۰.۲۹۱۴۰۱	۰.۰۷۱۴۶۲	۰.۳۶۲۸۶۳
کک، فراورده های نفتی، سوخت هسته ای، مواد و محصولات شیمیایی	۰.۳۹۲۸۴۴	۰.۰۹۴۱۰۹	۰.۴۸۶۹۵۳
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰.۴۱۰۴۵۳	۰.۱۰۰۴۹۹	۰.۵۱۰۹۵۲
کانی های غیرفلزی	۰.۵۷۱۵۲۶	۰.۱۳۹۳۴۸	۰.۷۱۰۸۷۴
فلزات اساسی	۰.۳۷۹۹۵۲	۰.۰۹۲۶۹	۰.۴۷۲۶۴۱
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۰.۵۶۹۶۹۱	۰.۱۴۱۶۴۳	۰.۷۱۱۳۳۴
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۰.۱۸۳۶۰۸	۰.۰۴۵۲۱	۰.۲۲۸۸۱۹
ساخت ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰.۰۸۰۰۸۷	۰.۰۱۹۶۵۴	۰.۰۹۹۷۴۱
ساخت ماشین آلات و دستگاه های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰.۳۷۰۸۱۷	۰.۰۹۱۲۸۲	۰.۴۶۲۰۹۹
ساخت رادیو، تلویزیون و دستگاه ها و وسائل ارتباطی	۰.۰۳۸۴۵۴	۰.۰۰۹۴۱۲	۰.۰۴۷۸۶۶
ساخت ایزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت های مچی و انواع دیگر ساعت	۰.۱۶۵۶۴۵	۰.۰۴۰۹۵۷	۰.۲۰۶۶۰۲
وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آن	۰.۳۵۵۸۳۱	۰.۰۸۷۴۲۳	۰.۴۴۳۲۵۴
سایر صنایع (مبهمان- مصنوعات گرانبهها و بازیافت)	۰.۵۲۱۹۳۶	۰.۱۳۰۸۲۸	۰.۶۵۲۷۶۴
آب و برق و گاز طبیعی	۰.۵۹۰۳۴۵	۰.۱۳۹۱۴۱	۰.۷۲۹۴۸۷
ساختمان	۰.۶۴۳۷۸۸	۰.۱۵۶۷۹۷	۰.۸۰۰۵۸۴
عمده فروشی، خرد فروشی، تعمیر و سایل نقلیه و کالاها	۰.۸۹۹۳۴۹	۰.۲۲۹۹۸	۱.۱۲۹۳۲۹
هتل، خوابگاه و رستوران	۰.۵۲۸۱۰۷	۰.۱۳۲۰۹۱	۰.۶۶۰۲۴۸
حمل و نقل	۰.۷۴۸۹۱۷	۰.۱۸۹۴۷۳	۰.۹۳۸۳۹
پست و مخابرات	۰.۶۵۲۸۹۴	۰.۱۵۷۵۶۶	۰.۸۱۰۴۶
واسطه گری های مالی	۰.۷۵۱۴۶۳	۰.۱۷۹۹۳۷	۰.۹۳۱۴
خدمات مستغلات	۰.۵۲۱۱۰۵	۰.۱۲۷۴۵۴	۰.۶۴۸۵۵۹
آموزش	۰.۷۸۶۷۳	۰.۱۸۸۰۷۹	۰.۹۷۴۸۰۸
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۰.۸۱۹۱۱	۰.۱۹۷۹۲۹	۱.۰۱۷۰۳۸
خدمات	۰.۶۷۳۶۰۳	۰.۱۶۵۱۱	۰.۸۳۸۷۱۳

مصدر: محاسبات تحقيق، ١٣٩٥.

ضرایب فراینده درآمد سال ۱۳۹۰ در جدول شش حاکی است که بیشترین اثر القایی در افزایش درآمد خانوارها ناشی از بسط و گسترش بخش‌های ساختمن، وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آن، ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات و صنایع وابسته به کشاورزی است. بخش‌های آب و برق و گاز طبیعی، استخراج نفت خام و گاز طبیعی، خدمات مستغلات و عمده‌فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها بیشترین اثر مستقیم و بخش‌های آموزش، کشاورزی، عمده‌فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها و بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی نیز بیشترین اثر غیرمستقیم را بر افزایش درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۰ داشته است.

#### جدول شماره (۶): تجزیه ضرایب فراینده درآمد سال ۱۳۹۰

بخش	اثرات غیر مستقیم	اثرات مستقیم	اثرات القایی	اثرات
کشاورزی	۲.۷۶۳۰۵۱	۱۶۸۷۷۲۹	۰.۶۱۴۸۱	
استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۱.۰۰۴۴۵۲	۱.۹۳۷۶۲۷	۰.۰۵۳۲۶۵	
سایر معادن	۱.۵۶۲۰۳۱	۱.۷۷۷۰۶۱	۰.۳۷۰۴۴۳	
صنایع وابسته به کشاورزی	۱.۶۶۱۵۲	۱.۱۵۱۴۵۱	۰.۸۱۶۴۷۸	
کاغذ و چاپ	۰.۸۶۷۳۵۱	۰.۷۰۹۶۱۳	۰.۴۵۹۵۳۸	
کک، فراورده‌های نفتی، سوخت هسته‌ای، مواد و محصولات شیمیایی	۱.۱۶۸۶۷۲	۱.۴۲۰۴۲۵	۰.۷۷۵۷۷۶	
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱.۲۲۳۷۹۵	۱.۱۴۶۹۴۳	۰.۷۹۶۲۷۳	
کانی‌های غیرفلزی	۱.۷۰۱۷۱۸	۱.۶۰۳۴۶۸	۰.۷۰۶۹۴	
فلزات اساسی	۱.۱۳۲۲۱۱	۱.۱۰۳۲۸	۰.۷۶۶۹۵	
ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۱.۷۰۲۷۱۶	۱.۳۳۳۶۵۷	۰.۸۸۰۱۳۱	
ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات	۰.۵۴۷۸۴۱	۰.۴۷۷۸۵۲	۰.۳۳۸۲۵۶	
ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰.۲۳۸۴۳۱	۰.۱۹۴۸۴۱	۰.۱۲۳۶۸۹	
ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۱.۱۰۶۴۴۸	۰.۹۷۱۹۹۳	۰.۶۷۶۴۱۸	
ساخت رادیو، تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	۰.۱۱۴۵۸۲	۰.۱۰۴۳۳۳	۰.۰۶۵۵۷۵	
ساخت ابزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۰.۴۹۴۶۵	۰.۴۱۵۰۴۱	۰.۲۷۰۶۶۶	
وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها بینه، قطعات و لوازم الحاقی آن	۱.۰۶۱۰۵۲	۰.۹۳۴۱۱۷	۰.۸۹۱۷۳۳	
سایر صنایع(مبلمان- مصنوعات گرانبهای بازیافت)	۱.۵۶۵۱۲۵	۱.۲۶۱۷۰۹	۰.۷۷۶۰۶۶	
آب و برق و گاز طبیعی	۱.۷۴۳۲۱۱	۱.۹۴۵۱۳۸	۰.۱۴۷۱۳۴	
ساختمان	۱.۹۱۳۹۴۶	۱.۶۸۶۹۲۱	۰.۹۶۲۱۰۷	
عمده فروشی، خردۀ فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۲.۷۱۰۶۷۱	۱.۹۰۰۱۸	۰.۳۲۶۱۴۸	
هتل، خوابگاه و رستوران	۱.۵۸۲۸۲۱	۱.۲۹۱۴۳۲	۰.۴۹۷۰۹۱	
حمل و نقل	۲.۲۵۰۱۸۸	۱.۶۵۷۳۰۴	۰.۴۷۶۸۷۲	
پست و مخابرات	۱.۹۳۷۴۶۴	۱.۸۴۳۰۵۹	۰.۵۷۵۹۰۸	
واسطه گریهای مالی	۲.۲۱۸۵۷۳	۱.۸۲۵۷۷۱	۰.۳۴۷۴۸۳	
خدمات مستغلات	۱.۵۶۱۷۹۲	۱.۹۲۰۵	۰.۲۱۲۳۷۹	
امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تامین اجتماعی اجباری	۲.۳۱۹۴۴۳	۱.۸۰۴۶۹۱	۰.۳۵۴۱۰۹	
آموزش	۲.۸۹۳۹۷۵	۱.۸۵۷۳۹۵	۰.۲۰۶۸۴۲	
بهداشت، درمان و خدمات اجتماعی	۲.۴۲۳۷۱۸	۱.۸۸۱۵۸۶	۰.۲۵۸۴۰۴	
خدمات	۲.۰۰۵۲۷	۱.۶۷۴۶۹۳	۰.۳۳۰۳۲۶	

منبع : محاسبات تحقیق، ۱۳۹۵

## (۵) نتیجه‌گیری

گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگبنای راهبرد توسعه آینده مورد بحث قرار می‌دهند و معتقدند که صنعتی شدن و طرح‌ریزی مطلوب صنایع در مناطق روستایی به عنوان یک جریان در جهت ایجاد توسعه پایدار و به عنوان آخرین راه حل مشکل فقر مناطق روستایی، بیکاری و عاملی تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲؛ وصال و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲). در این بین همان‌گونه که اشاره شد، جایگاه بخش کشاورزی به عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی از جمله موضوعاتی است که همواره مورد بحث و اظهارنظر کارشناسان بوده است. شواهد موجود نشان می‌دهد در حال حاضر، سه دیدگاه مختلف درباره کارکردهای بخش کشاورزی در اقتصاد ایران وجود دارد. که در این مقاله سعی شد با توجه به پشتونه علمی هریک از دیدگاه‌های فوق که به نتایج متفاوت انجامیده، در این مطالعه سعی شد بهمنظور رفع ابهام در این زمینه با استفاده از داده‌های ماتریس حسابداری اجتماعی به عنوان یک سیستم اطلاعاتی و آماری، شامل اطلاعات و آمارهای اجتماعی و اقتصادی برای اقتصاد یک کشور که قادر است تمام حسابهای اقتصادی و تعامل بین این حسابها را به تفصیلی‌ترین شکل ممکن نشان دهد، وضعیت و جایگاه بخش کشاورزی در حوزه تولید، اشتغال‌زایی و توزیع درآمد نهادی به عنوان متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و سیر تحولات آن طی بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به عنوان معیاری جهت رد و یا پذیرش رویکرد غالب در زمینه کارکردهای این بخش و نقش آن در توسعه کشور پرداخته شود.

نتایج حاصل از این بررسی نشان داد، در حوزه تولید بخش کشاورزی و نیز بخش صنایع وابسته به کشاورزی در بازه زمانی موردنظری نه تنها از ضریب فزاینده تولید بالاتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی برخوردار بوده بلکه جایگاه باثبات‌تری نیز داشته و در این بازه زمانی نوسانات کمتری از منظر تغییر توان تولیدی علی‌رغم نامساعد بودن سایر شرایط همچون سیاست‌گذاری و یا تغییرات اقلیمی داشته است.

در حوزه اشتغال‌زایی، بخش‌های اقتصادی به عنوان متغیری که دارای ابعاد اجتماعی گسترده در کشور بوده، حاکی از آن است که بخش کشاورزی سال ۱۳۸۵ در رتبه اول از نظر توان اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم قرار داشته و در سال ۱۳۹۰ نیز علی‌رغم کاهش شدید توان اشتغال‌زایی در بین بخش‌های مختلف موردنظری همچنان در رتبه اول بوده و بخش‌های آموزش و امور عمومی، شهری، دفاعی، انتظامی و تأمین اجتماعی اجرایی نیز با ۷ نفر-شغل مستقیم و غیرمستقیم در رتبه دوم قرار داشته است. بخش‌های صنایع وابسته به کشاورزی، ساختمان، ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات و حمل و نقل نیز به صورت مشترک در رتبه سوم بوده است.

از عمدترين دلایل کاهش شدید توان اشتغال زایي بخش های اقتصادي شايد بتوان به عملکرد ضعيف در اجرای طرح بنگاههای زودبازده، اجرای ناقص قانون هدفمندي يارانه ها و نيز کژکارکردي های نهادی در عدم مقابله با فرآيند تغيير کاربری زمين های کشاورزی اشاره کرد. در حوزه توزيع درآمد نيز در سال ۱۳۸۵ بيشترین تأثير در افزایش درآمد خانوارهای شهری و روستائي ناشی از افزایش تقاضاي نهايى بخش عمدت فروشى، خرده فروشى، تعمير وسائل نقلية و کالاها بوده و بخش کشاورزی با ضريب توزيع درآمد شهری ۱/۰۳۶ و ضريب توزيع درآمد روستائي ۰/۲۶ در رتبه دوم قرار داشته است. بخش های هتل، خوابگاه و رستوران، آموزش، امور عمومي، شهرى، دفاعي، انتظامي و تأمین اجتماعي اجبارى و صنایع وابسته به کشاورزی در رتبه های سوم تا ششم از منظر تأثير گذاري بر درآمد خانوارهای شهری و روستائي بوده است. برای سال ۱۳۹۰ نيز، بخش های آموزش با ضريب فرایinde درآمد ۱/۲۲، کشاورزی با ضريب فرایinde درآمد ۱/۱۵، عمدت فروشى، خرده فروشى، تعمير وسائل نقلية و کالاها با ضريب فرایinde درآمد ۱/۱۳، بهداشت، درمان و خدمات اجتماعي با ضريب فرایinde درآمد ۱/۰۲ به ترتيب بيشترین سهم را در افزایش درآمد خانوارها در اقتصاد ايران داشته است. سهم خانوارهای شهری و روستائي از اين افزایش درآمد به طور متوسط همچنان معادل ۸۰ به ۲۰ است. اما نكته قابل توجه نقش بخش کشاورزی در کاهش شکاف درآمدی بين خانوارهای روستائي و شهری است. به طوری که افزایش تقاضاي نهايى در اين بخش و درنتيجه تأثيری که بر توزيع درآمد نهادی دارد، بيشترین نقش را بر کاهش شکاف درآمدی داشته است.

از مجموع مشاهدات فوق آشكار است که سياست توسعه و گسترش بخش کشاورزی از منظر توليد، اشتغال زايي و توزيع درآمد به خصوص در مناطق روستائي در روند توسعه کشور نقش بسیار مهمی ايفا می نماید. فعالیت های بخش کشاورزی به سبب ماهیت کاربردی و نقشی که در کاهش شکاف درآمدی و توزيع عادلانه تر درآمد نسبت به سایر بخش های اقتصادي دارند، نه تنها می تواند به افزایش امنیت ملی به سبب کاهش وابستگی به واردات مواد غذائي و نيز جلوگیری از خروج ارز کمک کند بلکه از منظر متغيرهای اقتصادي و اجتماعي همچون افزایش اشتغال و کاهش فقر نيز نسبت به سایر بخش ها قابلیت و کارابی بيشتری داشته و باید مورد توجه سياست گذاران قرار گيرند. به عبارت دیگر، در بین بخش های مهم اقتصادي مور دبررسی در ساختار اقتصادي ايران از منظر توان اشتغال زايي در بازه زمانی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ برخلاف رویکرد موجود نسبت به بخش کشاورزی نه تنها بخش مذکور بالاترین توان اشتغال زايي را به خود اختصاص داده است بلکه در اين بازه زمانی سهم اين بخش به طور متوسط در ايجاد اشتغال در کشور افزایش داشته است. از نظر توزيع درآمد نيز شکاف درآمدی ايجاد شده ناشی از باز توزيع درآمد بین نهادها درنتيجه افزایش اقلام برون زاي بخش مذکور نسبت به سایر بخش های اقتصادي كمترین ميزان است. از همین رو می توان گفت با توجه به يافته های مذکور بخش کشاورزی بيشترین تأثير را در حفظ

تعادل اجتماعی – اقتصادی در ساختار اقتصاد ایران دارد. بر این اساس مشخص می‌شود رویکرد مبنی بر عدم توانایی بخش کشاورزی در حل مشکلات جامعه بر پایه اطلاعات دقیق و کامل از این بخش بر جامعه حاکم نگشته و با منطق علمی قابل رد است. چراکه این نتایج در شرایطی به دست آمده که سال‌هاست سایه سنگین بی‌مهری و عدم توجه به جامعه کشاورزی بر جامعه گسترشده شده و در شرایط کنونی نیز با توجه به جدی شدن نگرانی‌ها نسبت به بحران آب این بی‌توجهی با غفلت از آثار و تبعات آن در حال افزایش است. در این‌باره گفته می‌شود بخش کشاورزی به عنوان بزرگ‌ترین بخش مصرف‌کننده آب که کمترین میزان بهره‌وری را دارد، باید تعطیل شود. حال آنکه همان‌گونه که ذکر شد در درجه اول مبنای محاسبه میزان بهره‌وری و میزان استفاده این بخش دارای اشکالات تئوریک است و در درجه بعد غفلت از این بخش مبنایی است جهت کاهش امنیت غذایی و به تبع آن کاهش امنیت ملی.

از بعد اجتماعی نیز توسعه بخش کشاورزی در بستر توسعه روستایی از طریق ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستائیان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع‌بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل به‌ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین ضمن آنکه امکان بهره‌برداری بهینه از منابع آب‌وحاک و منابع انسانی مستقر در مناطق روستایی را فراهم می‌آورد، در ایجاد ساختار اقتصادی مناسب و روند مطلوب توسعه ملی کشور نیز تأثیرات غیرقابل‌انکاری خواهد داشت به‌گونه‌ای که امکان فراهم‌سازی آمایش مطلوب سرمزمین را نیز در پی دارد (ارزیابی استراتژی‌های بخش کشاورزی، ۱۳۸۹: ۱۵). آمایش سرمزمین نیز خود مبنی بر ملاحظات امنیتی و دفاعی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچه‌سازی سرمزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی و رفع محرومیت‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی است. در نهایت می‌توان چند نکته اساسی به ترتیب زیر خاطرنشان ساخت:

- نظر به اهمیت بخش کشاورزی و تأثیر آن بر روند توسعه افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش، می‌تواند نقش قابل‌توجهی بر رفع موانع اصلی توسعه داشته باشد.
- پیش‌شرط اساسی برای افزایش سرمایه‌گذاری تهیه برنامه جامع برای توسعه بخش کشاورزی و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری است.
- ساختار معیشتی و شیوه کشت سنتی محصولات تأثیر زیادی بر کاهش بهره‌وری و بازدهی این بخش دارد. استفاده از شیوه‌های جدید کشت مبتنی بر علم و مکانیزه کردن مزارع جهت رفع این مشکل راهکاری اساسی محسوب می‌شود.
- علم محور کردن کشاورزی خود درگرو استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی است.
- توجه به بحران‌های محیط‌زیستی و تلاش در جهت کاهش آلودگی‌های شهری و روستایی، مستلزم توجه هر چه بیشتر و علمی‌تر به بخش کشاورزی است.

- کاهش جرائم اجتماعی و کم کردن حاشیه‌نشینی شهری درگرو کمک به بخش کشاورزی و افزایش بازدهی این بخش و کاهش شکاف درآمدی در بین طبقات مختلف اجتماعی است.
- کاهش شکاف درآمدی از طریق عادلانه‌تر کردن توزیع درآمد و افزایش فعالیت بخش‌هایی که کمترین میزان شکاف درآمدی را ایجاد می‌نمایند توجه به ظرفیت بخش کشاورزی در ایجاد توازن درآمدی بسیار کمک‌کننده است.

## (۶) منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران، ص ۱۹.
- امینی، سماء، بیژن رحمانی و بتول مجیدی خامنه، (۱۳۹۶)، پیامدهای اقتصادی تغییرات اراضی روستاهای پیراشه‌ری مورد: روستاهای دهستان جی در شهرستان اصفهان، فصلنامه اقتصاد فضای توسعه روستایی، سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۲۰، ۴۰-۴۷.
- بانویی، علی‌اصغر و مینا محمودی، (۱۳۸۲)، کاربرد الگوی ترکیبی داده - ستانده با جمعیت فعال بهمنظور برآورد توان اشتغال‌زاکی بخش‌های اقتصادی، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۷۹، ص ۳۸-۳۳.
- بانویی، علی‌اصغر، (۱۳۸۴)، بررسی رابطه بین توزیع درآمد و افزایش تولید در اقتصاد ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۷، شماره ۲۳، ص ۱۱۷-۹۵.
- بانویی، علی‌اصغر، رضا وفایی‌یگانه، سیدهادی موسوی‌نیک، و مریم آقانصیری، (۱۳۹۲)، تأثیرگذاری بخش‌های اصلی اقتصاد بر توزیع درآمد خانوارها؛ با رویکرد تحلیل مسیر ساختاری، فصلنامه علمی-پژوهشی مجلس راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۲، ص ۹۷-۷۵.
- بانویی، علی‌اصغر، فرشاد مؤمنی و سید ایمان آزاد، (۱۳۹۳)، به کارگیری پیوندهای نسل اول، دوم و سوم در سنجش خدمات تولیدی و خدمات توزیعی: تجربه ایران و بعضی از کشورهای منتخب، سومین همایش کاربرد تکنیک‌های داده - ستانده در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی ایران، ۱۲ اسفندماه ۱۳۸۸، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۹۴۳-۹۰۵.
- پرمد، زورار و رحیم دباغ، (۱۳۸۳)، بررسی توزیع درآمد در ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی، پژوهشنامه بازارگانی، شماره ۲۷، ص ۱۶۸-۱۳۹.
- پروین، سهیلا، علی‌اصغر بانویی و سانا زعباسیان نیگجه، (۱۳۹۲)، شناسایی رشد بخش‌های اقتصادی در کاهش فقر با استفاده از رویکرد ضرایب فزاینده قیمت ثابت، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۱، ص ۴۱-۲۷.
- چانگ، هاجون، (۱۳۹۳)، بیستوسه گفتار درباره سرمایه‌داری؛ پیرامون نکاتی که آن‌ها بروز نمی‌دهند، ناصر زرافشان، انتشارات مهر ویستا، چاپ دوم، ص ۱۷۰-۱۵۳.
- سادات باریکانی، سید‌حامد و بهاره ایران نژاد، (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران: نگاهی دوباره به نظریه محوریت بخش کشاورزی، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۲۱، شماره ۸، ص ۱۵۳-۱۷۷.

- شفیعی، پروین، احمد تقیسی، حسن بیگ محمدی و سید هدایت الله نوری، (۱۳۸۹)، اولویت‌بندی صنایع کوچک و کار "ا"‌هی مناطق روستایی شهرستان اردستان باروش دلفی، *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۷۹-۶۱.
- طرح پژوهشی، (۱۳۸۹)، ارزیابی استراتژی‌های بخش کشاورزی در برنامه‌های پنج ساله اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۸).
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۱)، پایه‌های آماری بهنگام سازی ماتریس حسابداری اجتماعی برای سال ۱۳۸۵، دفتر مطالعات اقتصادی، صص ۴۰-۱.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و ابراهیم شمسایی، (۱۳۸۶)، توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی: مطالعه موردی بخش سجاده زرود زنجان، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۶، صص ۸۵-۱۰۴.
- ملر، جان ویلیام، (۱۳۸۳)، نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی: یافته‌هایی جدید از کشورهای دارای رشد سریع در بخش کشاورزی، همایش کشاورزی و توسعه ملی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، جلد اول، صص ۲-۳۰.
- مؤمنی، فرشاد، (۱۳۸۲)، تحول الگوهای ذهنی، پیش‌نیاز توسعه روستایی ایران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ص ۱۵-۲۸.
- مومنی، فرشاد، (۱۳۸۳)، توانمندی‌های بخش کشاورزی در مواجهه با بحران ملی بیکاری، مقالات برگزیده نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد دوم، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، صص ۶۵۳-۶۲۲.
- نظمفر، حسین، (۱۳۹۶)، تحلیل سطوح توسعه روستایی و میزان برخورداری دهستان‌های استان آذربایجان غربی، *فصلنامه اقتصاد فضای توسعه روستایی*، سال ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۹، صص ۱۷۵-۱۵۹.
- نیلی، مسعود، (۱۳۹۳)، امنیت غذایی، مدیریت منابع آب، محیط‌زیست، نهمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، صص ۱۵-۱.
- هایامی، یوجیرو، (۱۳۸۶)، اقتصاد توسعه از فقرتا ثروت ملل، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی.
- وصال، زینب، علیرضا خواجه شاهکوی و علی‌اکبر نجفی کانی، (۱۳۹۶)، نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی مورده: بخش مرکزی شهرستان فریمان، *فصلنامه اقتصاد فضای توسعه روستایی*، سال ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۹، صص ۷۶-۶۱.
- Byerlee, Derek. Janvry, Alain, Sadoulet, Elisabeth , Townsend, Robert, Klytchnikova, Irina (2008), **Agriculture for Development**, World Bank Washington, DC,pp: 2.
  - Kirzner, I. (1997). **Entrepreneurial discovery and the competitive market process: An Austrian approach**. Journal of Economic Literature, 35(1), pp: 60-85.
  - Kula, Mehmet (2008), **Supply - Use and Input-Output Tables, Backward and Forward Linkages of the Turkish Economy**, The 16th Inforum World Conference in Northern Cyprus.
  - Pieters,Janneke (2010), **Growth and Inequality in India: An Analysis of the Generalized Social Accounting Matrix**, World Development, Vol. 38, No. 3, pp. 270-281.
  - Rocchi , Benedetto, Romano, Donato, Stefani, Gianluca (2002), **Agriculture and Income Distribution: Insights from a SAM of the Italian Economy**, Paper prepared for presentation at the Xth EAAE Congress 'Exploring Diversity in the European Agri-Food System', Zaragoza (Spain), 28-31 August 2002.

- Salami. H, Sadat Barikani.H, and M. S. Noori Naeini (2012), **Can Agriculture Be Considered a Key Sector for Economic Development in an Oil Producing Country? The Case of Iran**, J. Agri. Sci. Tech Vol.14, pp: 1-10.
- Tambunan, Tulus ( 2005), **Economic Growth, Appropriate Policies and Poverty Reduction in a Developing Country: Some Experience from Indonesia**, South Asia Economic Journal, Sage Publications New Delhi, Thousand Oaks, London, Vol.6, pp:59-78.
- Wilkinson, J. Rocha, R. (2008), **Agro-Industry Trends, Patterns and Development Impacts**, Global Agro-industries Forum, New Delhi.pp:91-46.